

بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه تبریز)

حسین میرزایی^۱ * توکل آقایی هیر^۲ * سجاد قربانپور^۳

چکیده

در این پژوهش به مطالعه برخی از مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر هویت ملی و قومی پرداخته شده است. پژوهش حاضر با روش پیمایشی و در بین دانشجویان آذری ترک‌زبان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ انجام شده و نمونه پژوهش ۲۶۸ نفر است. در این پژوهش از پرسشنامه محقق‌ساخته و مقیاس‌های استاندارد، جهت سنجش متغیرهای تحقیق استفاده شد و اطلاعات به دست آمده از طریق نرم‌افزار spss مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج کلی نشان داد: رابطه بین هویت ملی با عزت نفس و احساس محرومیت معنادار و منفی است و با متغیر زبان مادری رابطه معنادار نبوده است، در عین حال دانشجویان طبقه پایین از هویت ملی پایین‌تری نسبت به سایر دانشجویان برخوردار بوده‌اند. در خصوص هویت قومی نیز روابط معنادار و مثبت بوده، اما هویت قومی دانشجویان طبقات مختلف با هم متفاوت نبوده است.

واژگان کلیدی: هویت ملی، هویت قومی، عزت نفس، احساس محرومیت، زبان مادری و پایگاه اجتماعی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره نهم • زمستان ۹۲ • صص ۸۱-۵۹

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۵/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۶

۱. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول (hmirzaei@um.ac.ir).
۲. عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز (T. agayari@tabrizu.ac.ir).
۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی (s.gorbanpur@gmail.com).

مقدمه

امروزه مسئله هویت، به‌ویژه هویت ملی و قومی در ابعاد و سطوح مختلف و همچنین دگرگونی‌های آن در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار داشته و دلمشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد کرده است. بدون هویت ملی و قومی، نمی‌توان از وجود اجتماع یا هویت اجتماعی صحبت کرد. به سخن دیگر، بدون وجود چارچوب مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مشخص سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود نخواهند داشت.

هویت نیز همانند سایر پدیده‌های اجتماعی انسانی در ارتباط با متغیرها و عوامل مختلفی است که می‌تواند از جامعه‌ای به جامعه دیگر و از گروهی به گروه دیگر متفاوت باشد. با مرور نظریات و تحقیقات انجام شده، ملاحظه می‌شود که برخی بر وجود ارتباط و هم‌افزایی مثبت، برخی بر رابطه منفی هویت‌های دوگانه ملی و قومی و دسته‌ای نیز بر عدم ارتباط هویت‌های دوگانه تأکید دارند (Berry et al., 2006). در مورد دیگر متغیرهای مرتبط با هویت‌های دوگانه ملی و قومی نیز می‌توان همین وضعیت را دید. به‌طور مثال یومانا بر عواملی همچون عزت نفس و میزان تسلط به زبان مادری^۱ در برجسته شدن هویت‌های دوگانه معتقد است و رابرت گار بر متغیر احساس محرومیت تأکید دارد (Bourish, 1997).

به دلیل رابطه متفاوت متغیرهای عزت نفس، احساس محرومیت، زبان مادری با هویت‌های دوگانه ملی و قومی در جوامع مختلف، تلاش شده به آزمون این روابط در جامعه دانشجویی ایران (دانشگاه تبریز) پرداخته شود و علاوه بر آن دریافته شود که آیا دانشجویان طبقات مختلف اجتماعی از هویت‌های ملی و قومی متفاوتی برخوردارند.

۱. در ادامه مقاله هر گاه صحبت از زبان مادری می‌شود، منظور میزان تسلط به زبان مادری است.

۱. ادبیات نظری و تجربی تحقیق

در این بخش ابتدا بحث مفهومی متغیرهای کلیدی سپس مباحث نظری و تجربی مطرح می‌شود.

۱-۱. اقوام ایرانی

ترکیب جمعیت ایران به نحوی است که به آن جامعه چند قومی هم می‌توان اطلاق کرد. حضور و زندگی اقوام مختلف چون فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ، ترکمن و عرب در جوار یکدیگر و در چارچوب جغرافیایی سیاسی واحد، بیانگر تنوع قومی - فرهنگی جامعه ایران است. علاوه بر قومیت اصلی فارسی‌زبانان که حدود ۶۰ درصد از جمعیت کشور را شامل می‌شود، حدود ده قوم دیگر با زبان‌ها و گویش‌های متفاوت وجود دارد، از جمله: ترک‌ها، کردها، لرها، عرب‌ها، ترکمن‌ها و تالشی‌ها (دیوسالار، ۱۳۸۷: ۸).

دغدغه زنده کردن زبان فارسی، حتی در میان اقوام ایرانی به عیان خود را می‌نمایاند. زبان فارسی در کنار زبان مادری، هویت ملی ایرانیان را به هم پیوند زده و اقوام ایرانی را گرد یک محور فراهم آورده است. استاد محمدحسین بهجت تبریزی ملقب به شهریار که زاده تبریز است. جز منظومه «حیدرآبای» خویش و چند قصیده، تمام اشعار خود را به زبان فارسی سروده و همیشه و همواره دیگران را به ارج گذاری به فرهنگ و پاسداشت زبان فارسی سفارش کرده است (فلاح، ۱۳۸۶).

اختلاف لهجه ملیت نژاید بهر کس	ملتی با یک زبان کمتر به یاد آرد زمان
گر بدین منطق تو را گفتند ایرانی نه‌ای	صبح را خوانند شام و آسمان را ریسمان
بی کس است ایران، به حرف ناکسان از ره مرو	جان به قربان تو ای جانانه آذربایجان

۱-۲. هویت ملی

هویت ملی پدیده اجتماعی، سیاسی و مدرن است که از اواخر قرن نوزدهم به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته، راه پیدا کرده است به همین دلیل می‌توان شکل‌گیری هویت ملی را با شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶). هویت ملی به دلیل تأثیر بسیار در تمامی حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی،

مهم‌ترین نوع از انواع هویت است (احمدی، ۱۳۸۳). به عبارت روشن‌تر، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی است (حیدری، ۱۳۸۳). این اصطلاح در عین حال مفهومی دو وجهی است که همانند اصطلاح هویت، همزمان بر افتراق و اشتراک دلالت دارد و امری انباشتی و تراکمی است. در تعریف هویت ملی نکته اصلی این است که فرد خود را عضو چه واحد سیاسی می‌داند و تا چه اندازه احساس یگانگی با واحد سیاسی می‌کند. به عبارت دیگر، مسئله این است: افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک جغرافیای سیاسی خاص و نظام حکومتی خاص قرار دارند، آیا خود را از لحاظ روانی نیز عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا نه (قیصری، ۱۳۷۷).

هویت ملی به عنوان مفهومی مرکب و چندساحتی است. ابعاد و عناصر هویت‌بخش در هر جامعه‌ای متفاوت از سایر جوامع است و بر حسب شرایط و مقتضیات خاص مشخص می‌شود. با نگاهی به تحقیقات و دیدگاه صاحب‌نظران ایرانی می‌توان دریافت که اغلب محققان این حوزه، هویت ایرانی را دارای مؤلفه‌هایی چون سرزمین، زبان و ادبیات، دین، آیین‌ها و مناسک، دولت و... می‌دانند. در این تحقیق منظور از هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور و به عبارتی، میزان یگانگی فرد با کشور ایران به عنوان سرزمین خود است و در ابعاد و مؤلفه‌هایی چون تاریخی- فرهنگی، اجتماعی، دینی، زبانی و سیاسی مورد سنجش قرار گرفته است.

۳-۱. هویت قومی

هویت قومی نیز پدیده‌ای پویا، چندبعدی و همیشه در حال تحول است که تعاریف مختلفی از آن صورت گرفته است. تاجفل^۱ آن را بخشی از مفهوم فرد می‌داند که از آگاهی‌اش نسبت به عضویتش در یک گروه قومی با ارزش‌ها و احساسات مربوط به آن ناشی می‌شود. هلمز^۲ هویت قومی را احساس تعلق فرد به یک گروه قومی می‌داند که این گروه میراث فرهنگی، ارزش‌ها و منش‌های خاص خود را دارد (Phinney & Ong, 2007).

الطایی هویت قومی را نوعی هویت اجتماعی می‌داند که در آن روابط عاطفی اعضا

-
1. Tajfel
 2. Helms

بیشتر بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه کلی بر آن حاکم است (رضایی و دیگران، ۱۳۸۶). در نهایت هویت قومی همانند هویت ملی، نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (اکوانی، ۱۳۸۷). در این پژوهش هویت قومی میزان تعلق فرد به نمادهای قومی خود تعریف شده است.

۴-۱. عزت نفس

عزت نفس یکی از متغیرهای مورد توجه در حوزه روان‌شناسی بوده و بسیاری آن را از عوامل عمده سلامت روانی می‌دانند (مسعودنیا، ۱۳۸۷). محققان مختلف نشان داده‌اند که عزت نفس بالا منبع حمایتی قوی است که افراد می‌توانند در مقابل رویدادهای زندگی روزمره از آن استفاده کنند (Dumont & Provost, 1999). همچنین تأثیر نیرومندی بر شناخت، انگیزش، هیجانات و رفتار انسان دارد (Campbell & Lavalee, 1993).

عزت نفس از جمله مفاهیمی است که درباره ماهیت و تعریف آن اختلاف نظر وجود دارد. این مفهوم در واقع دارای دو بعد روان‌شناختی و جامعه‌شناختی و مشتمل بر عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری است. در تعریفی، عزت نفس به این معناست که ما در مجموع چگونه خود را ارزشیابی می‌کنیم یا چه احساسی در مورد خود داریم (عابدی اردکانی، ۱۳۹۰).

استنلی کوپر اسمیت در کتابی با عنوان «تاریخچه عزت نفس» می‌گوید: منظور ما از عزت نفس، ارزیابی فرد از خویش است که به عادت آن را از طریق توجه به خویش به دست می‌آورد و نشانگر نگرشی است از تأیید یا عدم تأیید و حدی که شخص اعتقاد به توانایی، اهمیت، موفقیت و ارزش خویش دارد (براندن، ۱۳۷۵). در این تحقیق، منظور از عزت نفس آن است که فرد از خود ارزشیابی مفید و مثبت داشته باشد، نه منفی.

۵-۱. احساس محرومیت

متغیر احساس محرومیت از جمله موضوعاتی است که در مطالعات قومیتی و هویتی بسیار مورد توجه است، چنانکه در بحث‌های اریکسون درباره نحوه شکل‌گیری هویت (Sabatier, 2008) و در ایجاد و توسعه مدل‌های کراس (۱۹۹۱) و فینی (۱۹۸۹) نقشی تعیین‌کننده ایفا

کرده است. صاحب‌نظران دیگری همچون تاجفل، ترنر^۱، رابرت گر و برانسکام^۲ بر نقش احساس محرومیت در برجسته شدن پیوندهای قومی و تضعیف پیوندهای ملی تأکید دارند (Bourish, 1997).

منظور از «احساس محرومیت» در این تحقیق این است که پاسخگویان تا چه حد احساس می‌کنند گروه قومی آنها در دستیابی به حقوق خود (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی) نسبت به دیگر اقوام کشور برابر است.

۶-۱. زبان مادری

موضوع تنوع زبانی از جمله مسائلی است که در بسیاری از کشورها مطرح است. زبان و آثار ادبی بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. زبان نه تنها به‌عنوان یک محصول اجتماعی ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به‌عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و باز تولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. در صورتی که این عنصر از میان برود یا به نوعی تغییر یا استحاله یابد، مسلماً هویت فرهنگی و هویت ملی آن جامعه نیز استحاله می‌یابد (حیدری، ۱۳۸۳). تعاریف زیادی از زبان شده است، از نظر سوسور (۱۹۴۹) زبان عبارت است از: نظام نشانه‌ها یا علائم که در مجموعه وسیع‌تری به نام «نشانه‌شناسی»^۳ جای می‌گیرد و زبان یکی از مظاهر شناخت نشانه‌هاست. نشانه مشتمل بر وحدت «دال» و «مدلول» است (توسلی، ۱۳۸۵). زبان تنها شامل گفتار و نوشتار نیست، بلکه نظام‌های نمادین مثل اشاره و تمثیل به‌عنوان زبان در ایجاد روابط بین افراد نقش مؤثری دارند (چایلی، ۱۳۸۴). در این تحقیق منظور از تسلط به زبان مادری، میزان توانایی افراد در سه مهارت صحبت کردن، خواندن و نوشتن به زبان مادری است.

۷-۱. پایگاه اجتماعی - اقتصادی

بسیاری از جامعه‌شناسان، تحت تأثیر ماکس وبر، موقعیت اجتماعی یک شخص را بر حسب

1. Turner
2. Branscombe
3. Semiology

پایگاه اجتماعی و اقتصادی (SES) وی، یعنی مجموعه‌ای از عوامل مانند نوع شغل، تحصیلات و میزان درآمد خانواده ارزیابی می‌کنند. در این تحقیق، از طریق ترکیب شش متغیر زمینه‌ای (میزان درآمد خانواده، طبقه اجتماعی، شغل پدر و مادر و تحصیلات پدر و مادر) متغیر مستقلی تحت عنوان پایگاه اجتماعی-اقتصادی شکل گرفت. به عبارتی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی از طریق ترکیب شغل (والدین)، تحصیلات (والدین)، درآمد ماهیانه خانواده و خود ارزیابی از طبقه اجتماعی اندازه‌گیری شده است. برای محاسبه این شاخص ترکیبی، ابتدا وضعیت شغلی پدر و مادر که در سطح سنجش اسمی چند وجهی پاسخ داده شده بود، بر اساس جدول منزلت شغلی سیگل^۲ (میلر، ۱۳۸۷: ۳۹۶)، با دادن نمرات منزلت شغلی به هریک از مشاغل والدین، به سطح سنجش فاصله‌ای تبدیل شد. سپس این چهار مؤلفه (شغل، تحصیلات، درآمد و خودارزیابی از طبقه اجتماعی) تبدیل به نمرات استاندارد^۳ شده و در هم ادغام (جمع) شدند. آنگاه، متغیر حاصل، تبدیل به مقیاس صفر تا صد شد. پس از آن این مقیاس ترکیبی با دامنه تغییرات صفر تا صد به سه مقوله با فواصل مساوی تقسیم شد. این سه مقوله نشان‌دهنده پایگاه اجتماعی-اقتصادی افراد مورد مطالعه برحسب سه طبقه پایین، طبقه متوسط و طبقه بالای جامعه است.

بررسی عوامل مؤثر بر هویت به‌ویژه هویت قومی از دهه ۱۹۵۰ با تحقیق کلارک^۴ آغاز شد. وی به بررسی ریشه‌های اجتماعی هویت در بین جوانان آمریکایی - آفریقایی تبار پرداخت (French, 2006). اصولاً موضوع هویت قومی و ملی نیز همانند سایر پدیده‌های اجتماعی، با عوامل متعدد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در دو سطح خرد و کلان مرتبط است و شبکه‌ای از عوامل در هم پیچیده بر روی این متغیرها اثر گذارند. به همین دلیل تحقیقات مختلف در این حوزه صورت گرفته و می‌گیرد و هر محقق بر یک یا چند عامل تأکید بیشتری داشته است.

در مورد چگونگی ارتباط دو متغیر هویت قومی و ملی می‌توان مباحث موجود را در دو رویکرد کلان دسته‌بندی کرد. در رویکرد نخست، که به «مدل خطی»^۵ معروف است، رابطه این دو متغیر به صورت خطی دیده می‌شود. به عبارت روشن‌تر، بر این اساس با

1. Socio-economics status
2. Siegel's prestige scores
3. Z-scores
4. Clark
5. Linear model

تقویت هویت قومی، هویت ملی تضعیف می‌شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند: تقویت هویت ملی در گرو تضعیف و یا از بین بردن هویت قومی است و چنانچه هویت قومی هویت و انسجام ملی تضعیف خواهد شد در دیدگاه دوم، که به «مدل غیرخطی»^۱ معروف است، صاحب‌نظران معتقدند که ضرورتاً تقویت هویت قومی منجر به تضعیف هویت و انسجام ملی نمی‌شود و تقویت هویت ملی در گرو تضعیف هویت قومی نیست، بلکه می‌توان در عین حالی که هویت ملی را در یک جامعه تقویت کرد و افراد از هویت قومی بالایی نیز برخوردار باشند. حتی این امکان هست که هویت ملی و قومی فرد به‌طور همزمان ضعیف باشد. بری در این رابطه نتایج پژوهشی را یادآور می‌شود که در ۲۶ کشور دنیا انجام شده است (Berry, 2006). به عبارت ساده‌تر، از نظر گروه نخست کنشگران انسانی صرفاً باید دست به گزینش بزنند که دارای هویت ملی و یا قومی باشند و در واقع جمع این دو جمع اضداد است. همین نگرش و رویکرد برای سال‌ها و دهه‌های طولانی بر سیاست‌های هویتی و قومی بسیاری از کشورها (از جمله ایالات متحده، کانادا و...) حاکم بود و متعاقب آن، سیاست‌های یکسان‌سازی در بسیاری از کشورها اجرا شد. اما گروه دوم بر این باورند که چه بسا این دو نوع هویت می‌توانند همدیگر را تقویت کرده و افراد انسانی می‌توانند همزمان دارای هویت‌های گوناگونی باشند که لزوماً در تعارض با یکدیگر نیستند (Phinney, 2001).

امکان داشتن هویت‌های چندگانه یادآور دیدگاه نظریه‌پردازان کنش متقابل نمادین است که هویت (خود) را چندگانه و ترکیبی می‌دانند. در عین حال استرایکر به‌عنوان یکی از متأخرین این مکتب، خود را مجموعه‌ای متشکل از هویت‌های مجزا تعریف کرده که هر یک معرف پایگاه درونی شده‌ای هستند که در تعامل اجتماعی تأیید شده‌اند؛ اما تعهد خود به همه آنها یکسان نیست. بنابراین خود مشتمل بر هویت‌های چندگانه با نام و نشان‌های مختلفی است که از دید مک کال و سیمونز منجر به ایجاد سلسله مراتبی از رجحان‌ها می‌گردد (صدیق سروستانی و حاجیانی، ۱۳۸۷).

فینی یکی از معاصرین مطرح در زمینه مطالعات قومیتی که تلاش زیادی جهت استاندارد کردن ابزارهای سنجش هویت قومی انجام داده، در سال ۱۹۸۹ در پژوهشی «رشد هویت قومی را در بین اقلیت‌های قومی دانش‌آموزی در شهر لس‌آنجلس مورد مطالعه قرار

1. Non linear model

داد و در این مطالعه نحوه تعامل این دو هویت را مورد توجه داشت» (Phinney, op.cit). عبدالرضا نواح (۱۳۸۶) در تحقیقی به دنبال پاسخ به این سؤال است که احساس محرومیت نسبی در میان اعراب خوزستان چه تأثیری بر هویت ملی و هویت قومی آنها می‌گذارد و در نهایت، اینکه بین هویت ملی و هویت قومی چه رابطه‌ای وجود دارد. یافته‌های پژوهش نشان داده است که با افزایش احساس محرومیت نسبی، هویت قومی در میان اعراب خوزستان تشدید شده و در پی آن برخی جنبه‌های هویت ملی آنان کاهش می‌یابد. همچنین، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بین هویت قومی و هویت ملی رابطه معکوسی وجود دارد.

علاوه بر تحقیقات مذکور، تحقیقات داخلی زیادی مورد رابطه هویت ملی و قومی انجام گرفته است. می‌توان به پژوهش‌ها و تحقیقاتی که توسط فکوهی (۱۳۸۱): «شکل‌گیری هویتی و الگوهای محلی، ملی و جهانی»، حاجیانی (۱۳۸۷): «بررسی منابع هویت ایرانی»، احمدلو (۱۳۸۱): «بررسی رابطه میان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز»، فتحی (۱۳۸۲): «بررسی هویت قومی در بین دانش‌آموزان ارمنی، کرد و آذری استان آذربایجان غربی»، دژم خوی (۱۳۸۷): «بررسی گرایش مردم تبریز به ویژگی‌های قومی» و... صورت گرفته اشاره داشت.

یومانا در سال ۲۰۰۳ در تحقیقی به «بررسی هویت قومی مهاجران» در شهر الینویز می‌پردازد و تلاش دارد تا دریابد مهاجران در برخورد فرهنگ بومی و جامعه میزبان به چه نحوی عکس‌العمل نشان می‌دهند و در عین حال به نقش مؤثر متغیرهایی همچون احساس محرومیت، عزت نفس و زبان مادری در این فرایند می‌پردازد. وی نشان داد: با کاهش تسلط نمونه تحقیق به زبان مادری، هویت قومی آنها کاهش داشته است (Umana, 2008).

در خصوص تأثیر متغیر احساس محرومیت بر هویت ملی و قومی تحقیقات و نظریه‌پردازی‌های زیادی صورت گرفته است. فینی معتقد است: چنانچه اقلیت‌های قومی، تمامیت خواهی اکثریت را احساس کنند، عکس‌العمل نشان داده و انسجام قومی آنان تشدید و ارزش‌های قومی خود را برتر خواهند شمرد (Phinney, 1992). بری نیز بر نقش تبعیض و پیش‌داوری بر هویت ملی و قومی تأکید دارد (Phinney, 1996; Berry, 1999). یومانا معتقد به تشدید و برجسته شدن هویت قومی گروه‌های قومی بر اثر تبعیض و احساس محرومیت است و نتیجه تحقیقاتش چنین موضوعی را نشان می‌دهد. وی دریافت که هر

چقدر احساس محرومیت نسبی در شخص شدیدتر باشد، احتمال بروز پیش‌داوری نسبت به فرد یا گروه مورد مقایسه در وی بیشتر می‌شود (Umana, op.cit).

رابرت گار^۱، از نظریه‌پردازان رهیافت «محرومیت نسبی»، احساس محرومیت را نتیجه احساس وجود شکاف غیر قابل تحمل بین توقعات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی می‌داند که بسته به شدت پابندی به ارزش مورد توقع، مشروع دانستن محرومیت، فرصت‌های بدیل ممنوع شده و دفعات محرومیت، باعث نارضایتی و خشم می‌شود (مقصودی، ۱۳۸۶). وی در کتاب «قومیت‌ها و دولت‌ها» سه نوع تبعیض را نام می‌برد: تبعیض اقتصادی، سیاسی و فرهنگی (زمانی یک گروه تحت تبعیض فرهنگی است که اعضای آن در پیگیری علایق فرهنگی یا ابزار و اجرای رسوم و ارزش‌های فرهنگی خویش محدود شده باشند) (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۹). موانع و محدودیت در خصوص زبان مادری را می‌توان در دسته سوم قرار داد که در صورت وجود آن می‌تواند به احساس محرومیت گروه‌های اقلیت دامن بزند.

فرض اصلی رابرت گار این است که احساس محرومیت نسبی پیش‌شرط کشمکش‌های داخلی خشونت‌آمیز است. صاحب‌نظران دیگر نیز تأکید دارند که هر قدر میزان احساس محرومیت در یک گروه قومی بیشتر باشد و آن گروه احساس کند فرهنگ، زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی آن تشدید می‌شود، که در حالت افراطی به صورت قوم‌مداری^۲ متجلی خواهد شد (قیم، ۱۳۸۰).

علاوه بر مباحث نظری مطرح شده پیرامون این مسئله، تحقیقات انجام شده در این رابطه نتایج گوناگونی را نشان می‌دهد، چنانکه برخی بین احساس محرومیت و هویت قومی رابطه مثبت (Phinney, 1999; Phinney & Chavira, 1992)، گروهی رابطه منفی و برخی عدم وجود رابطه بین این متغیرها را گزارش کرده‌اند.

برانسکام بر این باور است که احساس محرومیت از سوی اقلیت‌های قومی باعث نتایج روان‌شناختی همچون کاهش عزت نفس، پریشانی و اضطراب می‌شود. اما افراد در مقابل این نتایج منفی منفعلانه عمل نمی‌کنند، بلکه تلاش می‌کنند ارزش، احترام، کمبودها و

1. Ted Robert Gurr
2. Ethnocentrism

محرومیت‌های خود را با بازگشت به ارزش‌های قومی جبران کند (Cross, 1995). از دیگر متغیرهای مورد توجه از سوی محققان «زبان مادری» است که در بین اقلیت‌های قومی مورد مطالعه و تأثیر آن بر هویت ملی و قومی شان مورد سنجش قرار گرفته است.

اساساً زبان^۱ رکن اساسی فرهنگ است. تمام اجزای فرهنگ، از دین گرفته تا معماری و علوم و از خانواده و نظام سیاسی گرفته تا ارتش و وسایل جنگی، متکی به زبان هستند (گودزی، ۱۳۸۴: ۲۷). «لوی اشتراوس^۲» که زبان را مهم‌ترین پدیده فرهنگی تلقی می‌کند، معتقد است: زبان‌شناسی قادر است روش‌های اساسی را جهت بررسی چگونگی ترکیب عوامل مختلف که موجب پیدایش نظام فرهنگی می‌شود، بیابد (توسلی، ۱۳۸۵: ۱۵۵). زبان به‌عنوان پدیده‌ای وضعی و قراردادی بین اعضای هر قوم یا جامعه مشترک است و از این رو اقوام را از یکدیگر متمایز می‌کند. اهمیت نقش زبان از لحاظ القای هویت گروهی در این است که در همه فرهنگ‌ها از زبان محلی و بومی به‌عنوان «زبان مادری» یاد می‌کنند. به‌طور کلی درباره نقش زبان در هویت‌های ملی و قومی می‌توان از دو دیدگاه تکثرگرا (پلورالیسم) و وحدت‌گرا نام برد.

مطابق دیدگاه تکثرگرایی با سیاست‌گذاری‌های دقیق می‌توان شرایطی را پدید آورد که گروه‌های قومی - زبانی^۳ مختلف بتوانند در آن با برخورداری از حقوق زبانی و قومی یکسان در کنار یکدیگر و در قالب یک کشور واحد زندگی کنند. بنابراین، می‌توان در یک کشور تنوع قومی - زبانی داشت، اما تکثر قومی - زبانی نداشت، چرا که در پلورالیسم، شرایط طبیعی موجود به شرایط برنامه‌ریزی شده و مطلوب تبدیل می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۴: ۱۳۳-۱۳۲). در مقابل این رویکرد، دیدگاه وحدت‌گرا حفظ و تقویت همبستگی ملی را اصل می‌پندارد و ایجاد همبستگی در جامعه را ناشی از زبان واحد و مشترک می‌داند. این دیدگاه وجود زبان‌های مادری و محلی را عامل تفرق و ناسازگاری می‌داند. دیدگاه وحدت‌گرا، که وحدت ملی را مهم‌ترین مسئله برای حفظ کیان یک کشور می‌داند، تکثرگرایی را چندان خوشایند نمی‌بیند و گاه آن را مخرب و مضر نیز می‌داند، چرا که می‌تواند به گرایش‌های جدایی‌طلبانه دامن بزند (همان: ۱۳۶). به همین دلیل، ملی‌گرایان در

-
1. Langue/Language
 2. Levi Strauss
 3. Ethnolinguistic plouralism

هر کجا هستند برآند که باید زبان «ملی»، یعنی زبان ملی خود آنان، رواج کامل و تام یابد و بر مبنای آن توسعه ملی در سطوح و زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی برنامه‌ریزی و پی‌ریزی شود. این محققان و همچنین برخی از دولتمردان بر این اعتقادند که تقویت زبان‌های قومی در جهت تضعیف هویت ملی و به نفع هویت قومی عمل می‌کند. اما گذشته از این دو دیدگاه، الگوی سومی نیز در برخی از کشورها به کار گرفته شده است که شاید بتوان آن را ترکیبی از دو الگوی فوق دانست. این الگوی ترکیبی عبارت است از: انتخاب بیش از یک زبان رسمی و منطقه‌ای در کنار یک زبان مشترک در سطح ملی تا بدین ترتیب هم به حقوق زبانی گروه‌های قومی - زبانی مناطق مختلف یک کشور احترام گذارده شود و هم از طریق یک زبان رسمی مشترک به عنوان نماد ملیت و وحدت، همبستگی و هویت ملی حفظ و برجسته شود (همان: ۱۴۱).

شامایی در تحقیقی با عنوان «هویت ملی و قومی در بین دانشجویان یهودی در تورنتو» تلاش کرد هویت قومی و ملی دانشجویان یهودی را در تورنتوی کانادا مورد مطالعه قرار دهد. وی نشان داد: زمانی که تسلط فرد بر زبان مادری‌اش کاهش می‌یابد، هویت قومی‌اش کاهش و در مقابل هویت ملی‌اش تقویت می‌شود (Shamai, 1986).

«پرنز» دریافت که با کاهش تسلط بر زبان مادری در نسل‌های بعدی مهاجران کاهش هویت قومی دیده می‌شود. همچنین افرادی چون «آلبا»، «لی و ور کیوتن»، «روزنتال» و «فلدمن» معتقدند که با کم‌رنگ شدن نهادهای قومی، به‌ویژه زبان مادری، هویت قومی کاهش می‌یابد (منوچهری، ۱۳۷۳: ۴۲ - ۴۱). «پرون» در سال ۱۹۹۵ در تحقیقی با عنوان «بررسی توسعه هویت قومی در بین دانش‌آموزان گروه اقلیت و اکثریت ایالت کبک کانادا» نشان داد که دانش‌آموزان اقلیتی که توانایی بیشتری در استفاده از زبان مادری‌شان دارند، از هویت قومی بالاتری نسبت به دیگر دانش‌آموزان برخوردار بوده‌اند. چنین نتیجه‌ای در تحقیق یوماننا و یازجیان در سال ۲۰۰۵ در بین مهاجرین پروتوریکوی و مکزیکی در آمریکا گزارش شده است (Umana & Yazedjian, 2006).

از دیگر متغیرهای مؤثر بر شکل‌گیری هویت افراد پایگاه اجتماعی و اقتصادی است. مفهوم «پایگاه اجتماعی و اقتصادی» نه تنها وضع اقتصادی، بلکه قدرت، نحوه زندگی، فعالیت‌های خاص در گذران فراغت، زمینه آموزشی، محل اقامت و... را در بر می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸۰۸). بسیاری از جامعه‌شناسان، تحت تأثیر ماکس وبر، موقعیت

اجتماعی یک شخص را برحسب پایگاه اجتماعی و اقتصادی وی یعنی مجموعه‌ای از عوامل مانند نوع شغل، تحصیلات و میزان درآمد خانواده ارزیابی می‌کنند.

در نظریه هویت اجتماعی فرض اساسی این است که جامعه به صورت سلسله‌مراتبی شکل گرفته است که در آن گروه‌های اجتماعی متفاوت در روابط قدرت و روابط پایگاهی، جایگاه مختلفی در رابطه با هم دارند (مثل زن و مرد، سیاه و سفید، کاتولیک و پروتستان) که این تفاوت در قدرت و پایگاه در گروه‌های کوچک‌تر و ناپایدارتر نظیر کلاس‌ها در مدرسه نیز مشخص است. هویت اجتماعی اساساً از طریق مقایسه‌های اجتماعی شکل می‌گیرد، مقایسه‌هایی که درون گروه و برون گروه را از هم متمایز می‌کند. بنابراین، اگر برای افراد جایگاه و ویژگی‌هایی تعریف شود که تنها در مقایسه با دیگران و در ارتباط با دیگران معنا یابد، هویت اجتماعی او تعریف شده است (اباذری، ۱۳۸۱: ۵).

سخن گفتن از خصوصیات اجتماعی، عقاید، ارزش‌ها، رفتارها و نگرش‌های متمایز گروه‌های اجتماعی، به معنای سخن گفتن از «هویت اجتماعی» آنهاست. هویت اجتماعی، به ساده‌ترین بیان، تعریفی است که فرد، بر مبنای عضویت در گروه‌های اجتماعی، از خویش دارد (همان).

مفهوم هویت اجتماعی دال بر وجود مجموعه رفتارهای سازمان‌یافته چندگروهی است که به لحاظ اجتماعی به صورتی یکسان و مشابه انجام می‌گیرند و شناسایی هویت‌های اجتماعی تلاشی است برای تحلیل الگوهای تکرارپذیر کنش‌ها و نگرش‌های گروهی (همان). بر اساس یافته‌های «کوهن»، کودکان رشد یافته در طبقات کارگر بیش از کودکان سایر طبقات، رفتارهای هم‌نوا با سنت و هنجارهای قومی دارند (صداقتی فرد، ۱۳۸۹: ۱۲۹). از نظر مارکس، طبقه اجتماعی قاطع‌ترین مبنای شکل‌گیری هویت اجتماعی افراد در جامعه سرمایه‌داری است. در واقع مارکس مبحث قشربندی اجتماعی را به سرفصل عمده‌ای برای تحقیقات و مطالعات اجتماعی و مفهوم طبقه را به متغیری کلیدی در تحلیل و تبیین رفتارها، نگرش‌ها و عقاید (هویت اجتماعی) افراد مبدل ساخت (اباذری، پیشین: ۹). با توجه به نظریات و نتایج تحقیقات ذکر شده، متغیرهای مختلفی بر هویت ملی و قومی مؤثرند از یک سو خود این دو هویت می‌توانند روابط مثبت، هم‌افزا و حتی منفی معنادار با هم داشته باشند و یا هیچ‌گونه ارتباط معناداری با هم نداشته باشند. از دیگر سو متغیرهای چون عزت نفس، احساس محرومیت، زبان مادری و طبقه اجتماعی فرد می‌تواند

در بسترهای مختلف در کاهش و یا افزایش هویت ملی و قومی افراد مؤثر واقع شوند. با توجه به این جمع‌بندی، فرضیه‌های زیر استخراج و مورد آزمون قرار گرفت تا دریابیم شرایط در جامعه آماری این تحقیق چگونه است:

۱. بین هویت قومی و متغیرهای مستقل (هویت ملی، عزت نفس، احساس محرومیت و تسلط به زبان مادری) رابطه وجود دارد.
۲. دانشجویان طبقات مختلف از لحاظ هویت ملی با هم متفاوتند.
۳. دانشجویان طبقات مختلف از لحاظ هویت قومی با هم متفاوتند.

۲. روش‌شناسی

این تحقیق از نوع پیمایشی بوده و از مقیاس‌های استاندارد برای گردآوری اطلاعات استفاده شده است. پرسشنامه براساس مقیاس لیکرت تنظیم شده و سؤال‌های آن از نوع سؤال‌های بسته و پنج گزینه‌ای بوده است. برای تحلیل اطلاعات به دست آمده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های توصیفی و تبیینی استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش دانشجویان ترک‌زبان دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰ بوده که از آن میان ۲۶۸ نفر از طریق فرمول کوکران انتخاب شدند و به روش نمونه‌گیری تصادفی مورد مطالعه قرار گرفتند.

متغیر هویت ملی دارای ابعاد تاریخی - فرهنگی، اجتماعی، سرزمینی، زبانی، دینی و سیاسی در نظر گرفته شد (حاجیانی، ۱۳۸۷). برای سنجش هویت ملی از پرسشنامه مورد استفاده حاجیانی در تحقیق «بررسی منابع هویت ایرانی» استفاده شد. برای سنجش هویت قومی نیز از پرسشنامه استاندارد شده فینی MEIM^۱ استفاده شد. فینی ضریب همسانی درونی مقیاس را ۰/۸۰ اعلام می‌کند (Phinney, 1992). در تحقیق حاضر ضریب پایایی هویت ملی ۰/۸۴ و هویت قومی ۰/۷۸ بوده است.

جهت سنجش متغیر عزت نفس از مقیاس استاندارد روزنبرگ^۲ (RSES) استفاده شد. این مقیاس شامل ده گویه است مقدار همسانی درونی (آلفای کرونباخ) مقیاس، در مطالعه کندلر و مایزر و نیل (۲۰۰۰) برابر با ۰/۸۹ بوده است (مسعودنیا، ۱۳۸۷) و در مطالعه حاضر ۰/۸۱ محاسبه شد. برای سنجش متغیر زبان مادری و احساس محرومیت از پرسشنامه

1. Multi group ethnic identity measure
2. Rosenberg self-esteem scale

محقق ساخته استفاد شد و ضریب روایی به ترتیب ۰/۸۶ و ۰/۷۸ به دست آمد.

۳. یافته‌های پژوهش

از کل نمونه مورد بررسی ۵۳ درصد نمونه مرد و ۴۷ درصد زن، ۸۹ درصد مجرد و ۱۱ درصد متأهل بوده‌اند. ۶۸/۱ درصد در مقطع کارشناسی، ۲۶/۳ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۵/۶ درصد در مقطع دکتری در حال تحصیل بوده‌اند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۲۳/۸ سال بوده است.

۳-۱. هویت ملی و متغیرهای مستقل

جهت آزمون رابطه هویت ملی و متغیرهای مستقل هویت قومی، عزت نفس، احساس محرومیت و زبان مادری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان می‌دهد: بین متغیرهای مستقل هویت قومی (۰/۱۵)، عزت نفس (-۰/۱۱)، احساس محرومیت (-۰/۶۵) و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد و این رابطه بین هویت ملی و قومی مثبت، اما در دو مورد دیگر منفی و کاهنده است. بیشترین ضریب همبستگی هویت ملی با متغیر احساس محرومیت است که شدت رابطه نیز در حد نسبتاً بالایی است. اما رابطه بین زبان مادری و هویت ملی معنادار نشده است.

جدول ۱. آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و هویت ملی

هویت ملی		
معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۲	۰/۱۵	هویت قومی ^۱
۰/۰۲۱	-۰/۱۱	عزت نفس
۰/۰۰۰	-۰/۶۵	احساس محرومیت نسبی
۰/۷۸۲	-۰/۰۲	زبان مادری

۱. در این تحقیق اگرچه هویت قومی خود یکی از متغیرهای وابسته دو گانه است، اما تلاش شد به ارتباط این متغیر با هویت ملی نیز پرداخته شود. بنابراین در این جدول در قالب متغیر مستقل با هویت ملی مورد آزمون قرار گرفت.

۲-۳. هویت ملی و طبقه اجتماعی

طبق نتایج آزمون آنالیز واریانس، بین پاسخگویان از طبقات مختلف اقتصادی - اجتماعی از نظر هویت ملی تفاوت معنادار وجود دارد. در این میان بیشترین گرایش به هویت ملی را طبقات بالا و کمترین گرایش به هویت ملی را طبقات پایین دارا هستند.

جدول ۲. نتایج آزمون آنالیز واریانس یکطرفه هویت ملی به تفکیک طبقات اجتماعی

شاخص	طبقات اجتماعی	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه	
			درجه آزادی	کمیت F
هویت ملی	طبقه پایین	۹۳/۶۱	۲۵۶	۱۳/۳۰
	طبقه متوسط	۱۱۳/۵۷		
	طبقه بالا	۱۱۷/۰۷		
	جمع	۱۱۱/۲۹		
				۰/۰۰۰

آزمون تعقیبی توکی نشان داد که بین طبقه پایین با طبقات متوسط و بالای نمونه آماری مورد بررسی از لحاظ هویت ملی تفاوت وجود داشته و این تفاوت معنادار است. علاوه بر این، دو زیر مجموعه همگن ایجاد شده است. براساس این نتیجه باید گفت: هر قدر شرایط اقتصادی و اجتماعی افراد ضعیف تر باشد، افتخار، پیوند و علاقمندی آنها به شاخص های هویت ملی کاهش یافته و این نتیجه به نوعی تأیید فرضیه های مربوط به احساس محرومیت با دو متغیر هویت ملی و هویت قومی است.

جدول ۳. نتایج آزمون تعقیبی توکی در خصوص هویت ملی براساس طبقات اجتماعی

همگنی گروهها	گروه اول	گروه دوم	طبقات اقتصادی - اجتماعی		
			طبقه پایین	طبقه متوسط	طبقه بالا
	۹۳/۶۱		-	*۱۹/۹۵	*۲۳/۴۶
۱۱۳/۵۷			*۱۹/۹۵	-	-
۱۱۷/۰۷			*۲۳/۴۶	-	-

* در سطح ۵ درصد معنادار است.

۳-۳. هویت قومی و متغیرهای مورد آزمون

براساس نتایج جدول ۴ بین سه متغیر عزت نفس، احساس محرومیت و زبان مادری با هویت

بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی... ۷۵

قومی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

جدول ۴. آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مستقل و هویت قومی

هویت قومی		
معناداری	ضریب همبستگی	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۸	۰/۱۲۷	عزت نفس
۰/۰۰۰	۰/۱۷۱	احساس محرومیت نسبی
۰/۰۰۰	۰/۲۵	زبان مادری

۳-۴. هویت قومی و طبقه اجتماعی

طبق نتایج آزمون آنالیز واریانس، پاسخگویان از طبقات مختلف اقتصادی-اجتماعی از نظر هویت قومی با هم تفاوت معناداری ندارند.

جدول ۵. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه هویت قومی به تفکیک طبقات اجتماعی

شاخص	طبقات اجتماعی	میانگین	آزمون آنالیز واریانس یک طرفه	
			درجه آزادی	کمیت F
هویت قومی	طبقه پایین	۷۱/۵۰	۲۵۶	۲/۳۳
	طبقه متوسط	۶۹/۷۳		
	طبقه بالا	۶۶/۷۳		
	جمع	۶۹/۳۶		
				۰/۰۹

۴. جمع بندی و نتیجه گیری

این تحقیق با هدف مطالعه برخی از مهم ترین متغیرهای مرتبط (عزت نفس، احساس محرومیت، زبان مادری و پایگاه اجتماعی و اقتصادی) با هویت ملی و قومی انجام پذیرفت. نتایج نشان داد که دو متغیر هویت ملی و قومی با یکدیگر رابطه معنادار، مثبت و ضعیف دارند. این نتیجه به نوعی تأیید دیدگاهی است که به مدل غیرخطی معروف است. بر اساس این رویکرد، تقویت هویت ملی و یا قومی ضرورتاً به تضعیف هویت دیگر منجر نخواهد شد و می تواند این رابطه در جوامع مختلف به گونه ای متفاوت خود را نشان دهد (Berry, 2006).

نویسندگان مقاله بر این باورند که نتیجه به دست آمده طبیعی و قابل انتظار است، چراکه در کشور باستانی ایران، هویت ایرانی در حقیقت محصول تعامل کلیه فرهنگ‌های قومی و بومی است که برای قرن‌ها در کنار هم بوده و با هم تعاملات سازنده داشته‌اند. بنابراین این موضوع با مسئله بسیاری از کشورها نوپا که در حال شکل دادن به هویت ملی جدید بر اساس هویت‌های متفاوت و گاه متناقض هستند، بسیار متفاوت است. با توجه به این مطالب، مسئله هویت در کشوری چون ایران، ایجاد هویت ملی نیست، بلکه داشتن سیاست هویتی مناسب است با در نظر داشتن شرایط نوین جهانی و تحولات مرتبط با آن و استفاده از امکانات عظیم رسانه‌ای و... در جهت تقویت روابط موجود بین این هویت‌ها استفاده شود، مسئله‌ای که کاملاً شدنی است.

در ادامه مشخص شد که رابطه هویت ملی با متغیرهای عزت نفس و احساس محرومیت معنادار و منفی است. در مورد فرضیه عزت نفس و هویت ملی نتیجه حاصل نیاز به بحث و تحقیقات بیشتر دارد، چراکه اساساً انتظار می‌رود افرادی که دارای عزت نفس بالایی هستند، از هویت ملی بالاتری برخوردار باشند، حال آنکه نتیجه حاصل متفاوت است. اما در خصوص متغیر احساس محرومیت و هویت ملی نتایج هماهنگ با بسیاری از نظریات و تحقیقات ذکر شده است. موضوع دیگر، شدت بالای رابطه و جهت منفی آن است. این امر نیاز به توجه بسیار دارد، چراکه چنانچه اقلیت‌های قومی یک جامعه در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی احساس محرومیت و تبعیض کنند، در واکنشی دفاعی گرایششان به شاخصه‌ها و ارزش‌ها ملی کاهش و به شاخص‌ها، ارزش‌ها و علقه‌های قومی و بومی افزایش می‌یابد (Phinney & Chavira, 1992).

در مورد طبقه اجتماعی اقتصادی افراد و هویت ملی مشخص شد که طبقات پایین‌تر گرایش کمتری به ارزش‌ها و شاخصه‌های هویت ملی دارند. این نتیجه تأیید رابطه متغیر احساس محرومیت با هویت ملی و قومی است.

فرضیه رابطه متغیر زبان مادری با هویت ملی تأیید نشد. به عبارتی میزان تسلط افراد به زبان مادری ارتباطی با هویت ملی افراد نداشته است. بر اساس این یافته نمی‌توان دیدگاه محققانی چون یومانا (۲۰۰۸) را در مورد جامعه ایران پذیرفت که باور دارند با افزایش تسلط اقلیت‌های قومی به زبان مادری هویت ملی آنها تضعیف می‌شود. نویسندگان مقاله بر این باورند که هویت ملی ایرانی ترکیبی از هویت اقوام ایرانی است و نتیجه حاصل ناشی از

این واقعیت است که اساساً هویت ملی ایرانی در تضاد و تخالف با هویت اقوام ایرانی نیست که با افزایش تسلط افراد به زبان مادری هویت ملی تضعیف گردد.

همچنین مشخص شد که دانشجویان از طبقات پایین اجتماع نسبت به دانشجویان طبقات متوسط و بالای اجتماع از هویت ملی کمتری برخوردارند. این نتیجه به نوعی تأیید رابطه معنادار احساس محرومیت با هویت ملی است که کاهش محرومیت افراد و تلاش در جهت رفاه و برخورداری بیشتر اقوام ایرانی باعث تقویت نگاه و رویکرد آنان به باورها، مفاخر و ارزش‌های ملی خواهد شد و بیش از گذشته به ایرانی بودن افتخار خواهند کرد.

دیگر نتایج نشان داد که هر سه متغیر عزت نفس، احساس محرومیت و زبان مادری با هویت قومی رابطه معنادار، مثبت و افزایش‌دهنده دارند، بدین معنا که با افزایش عزت نفس، احساس محرومیت و تسلط به زبان مادری هویت قومی افراد افزایش می‌یابد. این یافته سازگار با نتایج تحقیقات پیشین است، اما فرضیه متفاوت بودن هویت قومی دانشجویان با توجه به طبقه اجتماعی اقتصادی آنان رد شده است.

در جمع‌بندی این مقاله باید گفت: از آنجا که تعارض و تضاد بین هویت ملی و قومی نمونه این تحقیق ملاحظه نمی‌شود و حتی نوعی هم‌افزایی بین این دو هویت را شاهدیم، تجلیل و تکریم کلیه اقوام و در واقع تحقق و بسط حقوق اقوام ایرانی و اهمیت و احترام بیشتر به زبان و فرهنگ‌های محلی و بومی مطابق با اصل نوزدهم قانون اساسی کشور مبنی بر اینکه «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» گامی اساسی در جهت تقویت هویت قومی اقوام ایرانی و در نتیجه تقویت هویت ملی است.

تلاش بیشتر در رفع محرومیت و احساس محرومیت (در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و به‌ویژه توسعه فرهنگی اقوام ایرانی می‌تواند در رفع بسیاری از آسیب‌های موجود و یا احتمالی مؤثر واقع شود. توجه بیشتر به زبان‌ها و ارزش‌های اقوام ایرانی به‌عنوان میراث وطنی باعث تقویت همبستگی و انسجام ملی و توجه بیشتر اقوام ایرانی به ارزش‌ها و باورهای ملی خواهد شد.

تأسیس فرهنگستان زبان‌های محلی و قومی ایرانی در کنار فرهنگستان زبان و ادب فارسی و تلاش در جهت حفظ این میراث گرانبها، علاوه بر حفظ این میراث گرانبها باعث تقویت انسجام و همبستگی ملی می‌شود. از سوی باید در نظر داشت که زبان و ادبیات

محلی و سایر سنت‌ها، میراث ماندگار و غنی فرهنگ ایرانی است و افتخار آن نه تنها متعلق به یک قوم، بلکه متعلق به همه ایران و ایرانیان است.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. اباذری، یوسف و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). «از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی: رویکردهای نوین بر تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی»، نامه علوم اجتماعی، پاییز و زمستان ۸۱، شماره ۲۰: ۲۷-۳.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۳). «هویت و قومیت در ایران»، در کتاب هویت در ایران به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۳. اکوانی، سیدمحمد اله (۱۳۸۷). «گرایش به هویت ملی و قومی در بین عرب‌های خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، دوره ۳۶: ۱۲۷-۹۹.
۴. براندن، ناتانیل (۱۳۷۵). قدرت عزت نفس، ترجمه مینا اعظامی، تهران: انتشارات پوینده.
۵. توسلی، غلامعباس (۱۳۸۵). نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: سمت.
۶. چایلی، صمد (۱۳۸۴). هویت و زبان، تبریز: نشر اختر با همکاری هاشمی سودمند.
۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۷). «نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره نهم، شماره ۳ و ۴: ۱۶۴-۱۴۳.
۸. حیدری، محمد (۱۳۸۳). هویت و امنیت ملی، در کتاب مبانی نظری هویت و بحران هویت به اهتمام علی اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۹. دژم خوی، جمشید (۱۳۸۷). «بررسی گرایش مردم تبریز به ویژگی‌های قومی»، نامه فرهنگ آذربایجان شرقی، سال اول، شماره اول و دوم.
۱۰. دیوسالار، مجید (۱۳۸۷). «امنیت ملی و تهدیدهای قومی»، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، پگاه حوزه، اسفند ۸۷، شماره ۲۵۱: ۱۰-۷.
۱۱. رضایی، احمد، محمداسماعیل ریاحی و نورمحمد سخاوتی فر (۱۳۸۶). «گرایش به هویت ملی و قومی در ترکمن‌های ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، ۸ (۴ (۳۲)): ۱۴۰-۱۱۹.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵). درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی (دوره دوجلدی)، تهران: کیهان.
۱۳. صدقاتی فرد، مجتبی (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی: کلیات، مفاهیم، پیشینه، ویراست دوم، تهران: نشر ارسباران.
۱۴. صدیق سروسستانی، رحمت اله و ابراهیم حاجیانی (۱۳۸۷). «مطالعه تجربی منابع هویت ایرانی» فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۲: ۵۳-۳۱.
۱۵. عابدی اردکانی، محمد (۱۳۹۰). «رابطه عزت نفس و گرایش جوانان به سبک زندگی غربی: مطالعه موردی جوانان یزد»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۱، شماره ۲: ۲۵۲-۲۳۳.
۱۶. علم، محمدرضا (۱۳۸۶). «ریشه‌های هویت ایرانی در قیام میرزا کوچک خان جنگلی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳۱: ۹۸-۸۱.
۱۷. فلاح، مرتضی (۱۳۸۶). «نقش زبان فارسی در یکپارچگی و وحدت ملی ایران»، مجله گوهر گویا.

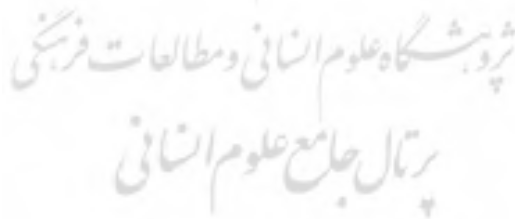
۱۸. قاسمی، محمد علی (۱۳۸۱). «درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول: ۱۳۴-۱۲۳.
۱۹. قیصری، نوراله (۱۳۷۷). «قومیت عرب و هویت ملی درج. ا. ا. ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پیش شماره اول.
۲۰. قیم، عبدالنبی (۱۳۸۰). «نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۷.
۲۱. گودرزی، حسین (۱۳۸۴). گفتارهایی درباره جامعه‌شناسی هویت در ایران، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۲۲. مدرسی، یحیی (۱۳۸۴). «پلورالیسم قومی - زبانی و هویت ملی»، نامه انسان‌شناسی، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۸۴، شماره ۷: ۱۴۶-۱۲۹.
۲۳. مسعودنیا، ابراهیم (۱۳۸۷). «مقایسه دانشجویان با سطوح مختلف عزت نفس از لحاظ سبک‌های مقابله با استرس»، مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، سال پانزدهم، شماره ۱: ۸۱-۹۸.
۲۴. مقصودی، مجتبی (۱۳۸۶). «جایگاه هویت در پایان‌نامه‌های دانشجویی»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳۱: ۳-۳۰.
۲۵. منوچهری، محمدعلی (۱۳۷۳). ملت و ملیت، تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی معارف.
۲۶. میلر، دلبرت چارلز (۱۳۸۷). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نشر نی.

ب) منابع لاتین

1. Berry, J. W. , Phinney, J. S. , Sam, D. L. , & Vedder, P. (2006). *Immigrant Youth in Cultural Transition: Acculturation, Identity and Adaptation across National Contexts*, Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates .
2. Bourish, M. Y (1997). "Culture Identity and Immigration", *Ethnic and Racial Studies*, 21: 574-601.
3. Campbell, J. D. , & Lavalee, L. F. (1993). Who Am I? The Role of Selfconcept Confusion in Understanding the Behavior of People with Low Self-esteem. In R. F. Baumeister (Ed.) , *Self-esteem: The puzzle of low self-regard* (pp. 3-20). New York: Plenum Press .
4. Cross, W. E. (1995). *The Psychology of Nigrescence: Revising the Cross model*.
5. Dumont, M. , & Provost, M. A. (1999). "Resilience in Adolescents: Protective role of Social Support, Coping Strategies, Self-esteem, and Social Activities on Experience of Stress and Depression", *Journal of Youth and Adolescence*, 28: 343-363 .
6. French, S. (2006). "The Development of Ethnic During Adolescence", *Developmental Psychology*, Vol.22, No. 1: 1-10.
7. Phinney, J. (1992). "The Multigroup Ethnic Identity Measure: A New Scale for Use with Adolescents and Young Adults from Diverse Groups", *Journal of Adolescent Research*, 7: 156-176.

بررسی عوامل مرتبط با هویت ملی و هویت قومی... ۸۱

8. Phinney, J. S &Chavira, V. (1995). "Ethnic Identity and Self-Esteem: An Explonatory Longitudinal Study", *Journal of Adolesences*15: 271-281 .
9. Phinney, J. S & Ong. A. (2007). "Conceptualization and Measurement of Ethnic Identity: Current Status and Future Directions", *Journal of Counseling Psychology*, Vol. 54, No, 3: 271-281.
10. Phinney, J. S (2001). "Ethnic Identity, Immigration, and Well-Being: An Interactional Perspective", *Journal of Social Issues*, Vol. 57, No. 3: 493-511.
11. Sabatier, Colette (2008). "Ethnic and National Identity Among Second –generation Immigrant Adolescents in France", *Journal of Adolescence*31: 185-205 .
12. Shamai, J. S. (1986). *Ethnic and National Identity among Jewish Students in Toronto*. Ph. d. Thesis. University of Toronto .
13. Umaña-Taylor& Yazedjian, A. (2006). *Generational Differences and Similarities among Puerto Rican. And Mexican mothers experiences with familial ethnic Socialization*. *Journal of Social and Personal Relationships*, Vol. 2.
14. Umana-Taylor, A. J. (2008). "A Longitudinal Examination of Latino Adolescents' Ethnic Identity, Coping with Discrimination, and Self-esteem", *Journal of Adolescence*. Vol. 28, No. 1: 16-50.





پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی